

توسعه از مسیر انباشت تجربیات می‌گذرد



دکتر میثم
مه‌دی‌آر

معاون پژوهشی
پژوهشگاه فرهنگ،
هنر و ارتباطات



محافل دانشگاهی و بخصوص حوزوی در ایران اوج گرفته، انتقاداتی را به دنبال گوی پیشین وارد می‌داند و به دنبال پیدا کردن راه سومی برای توسعه است که با نصوص و فرهنگ دینی ما متباین نباشد. با این همه برخی از گرایش‌های فعال در این رویکرد نیز تا حد زیادی از همان درک غیرتاریخی که دسته اول و دوم به آن مبتلا بودند، رنج می‌برند چراکه توسعه را یک پروژه علمی و ایدئولوژیک می‌دانند که الگوی آن از دل مطالعات کتابخانه‌ای آیات و روایات یا بحث‌های کلامی و فلسفی اسلامی استخراج می‌شود. این گرایش‌ها تصور می‌کنند توسعه غربی نتیجه یک پروژه فلسفی و معرفت‌شناسانه غربی نسبت به جهان است و اگر قرار بر توسعه است باید ابتدا مثلاً معرفت‌شناسی دینی و بومی خود را بر مبنای تراث دینی و اخلاقی تدوین و منقح کرده و از دل این تنقیح، الگوی توسعه و پیشرفت خود را استخراج و سپس بر اساس آن عمل کنیم.

در میان کسانی که به «مسأله توسعه» توجه کرده‌اند با سه ساده‌انگاری در برابر توسعه مواجه هستیم؛ ساده‌انگاری اول در واقع از آن کسانی است که اساساً توسعه را نفی کرده و تصور می‌کنند در این نظام جهانی راه‌گزینی از مدار جاذبه توسعه غربی وجود دارد. آنها به صورت خلوص گرایانه‌ای خواستار بازگشت به «اصالت» و «سنت» هستند. البته این دسته از افراد توجه ندارند که سنت، خود محصول شرایط جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تاریخی بوده و امکان بازیابی سنت با همان اصالت سابق نه معقول است و نه شدنی.^[۱]

ساده‌انگاری دوم متعلق به کسانی است که به راحتی الگوی توسعه تک خطی پیشنهاد شده توسط «توسعه یافته‌ها»ی غربی را می‌پذیرند و تصور می‌کنند کشورهای توسعه یافته از طی طریق این الگوی توسعه‌ای واحد، توسعه یافته‌اند و ما نیز به سادگی و راحتی می‌توانیم این الگوها را گزیده برداری، ترجمه و اجرا کنیم و در نهایت به همان موقعیتی که توسعه یافته‌ها حضور دارند، خواهیم رسید. این دسته اغلب رتبه‌بندی‌های جهانی اروپامحور را معیار توسعه در ایران می‌پندارند و وضعیت حال را با این رتبه‌بندی‌ها نقد می‌کنند. این دسته نیز توجه ندارند که اساساً توسعه غربی در زمینه تاریخی و فرهنگی و اقلیمی غربی صورت گرفته است و هر تقلید و ترجمه‌ای از توسعه غربی بدون توجه به این زمینه تاریخی و فرهنگی، عقب‌افتادگی (از همان منظری که آنها به ماجرا نگاه می‌کنند) را دوچندان می‌کند.^[۲] البته نقد این دسته به این معنا نیست که باید یا می‌توان دیواری دور خودمان بکشیم و از جاذبه توسعه جهانی برحذر باشیم بلکه نقد «ترجمه خام» هر آنچه آنجاست است.

رویکرد سوم اگرچه متأخرتر است و در یکی دو دهه گذشته در برخی

”

رویکرد سوم اگرچه متأخرتر است و در یکی دو دهه گذشته در برخی محافل دانشگاهی و بخصوص حوزوی در ایران اوج گرفته، انتقاداتی را به دنبال گوی پیشین وارد می‌داند و به دنبال پیدا کردن راه سومی برای توسعه است که با نصوص و فرهنگ دینی ما متباین نباشد.